دریچه

مرد حنجره‌طلایی

● **محمود قنبری (دوبلور پیش‌کسوت و مدیر دوبلاژ)**: جنگیز جلیلوند یکی از ستارگان انگشت‌شمار دوبلاژ ایران بود. با صدایی بسیار زیبا و حنجره‌ای منحصربه‌فرد.

جلیلوند نقش‌های خاص را به‌نحوی‌که هنرپیشه انجام داده بود، ادا می‌کرد و همین موضوع باورپذیری کارهای او را صدچندان می‌کرد. نقش‌های ماندگاری از مارلون براندو، مایکل دالاکس، کرک دالاکس و... از جمله همین نقش‌هاست که با صدای جلیلوند ماندگار شد.

هنرپیشه‌ای از سینمای جهان نیست که جلیلوند جای او حرف نزده باشد. بخش دیگری از فعالیت‌های او به پیش از انقلاب برمی‌گردد؛ ماندگاری صدای فردین در فیلم‌هایی که جنگیز جلیلوند عزیز به‌جای او صحبت می‌کرد. اتفاقا خاطره جالبی از هم‌صحبتی او و فردین به خاطر دارم؛ زمانی که آقای جلیلوند بعد از مدتی که در آمریکا زندگی می‌کرد به ایران آمد و البته به خاطر دارم که اصرار می‌کردم باید در کشور خودش فعالیتش را ادامه بدهد.

سال ۷۲ سفری به ایران داشت و شبی در انجمن گویندگان آقای فردین هم حضور داشتند و آقای فردین در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «سینمای ایران با وجود شما باقی ماند و سینما شد که در اصل نگاهش به جلیلوند بود که سال‌ها به‌جای او گویندگی کرده بود».

او بار دیگر به آمریکا سفر کرد و سال ۷۵ به کشورش برگشت و مشغول به کار شد و همان‌طور مثل قبل نقش‌های خاص و کارهای بزرگ انجام داد.

از جمله کارهای مشترکمان پیش از انقلاب آواره‌های کوسه بود و بعد از انقلاب هم فیلم‌های فراوانی کار کردیم. جنگیز جلیلوند شخصیتی نیست که به‌راحتی بتوان فراموشش کرد. مشخص، آرام، مسلط بر کار. تا پشت میز نقش را کامل درک نمی‌کرد، تا خودش را کامل با هنرپیشه هماهنگ نمی‌کرد، هرگز ضبط را شروع نمی‌کرد.

زمانی هم که ضبط می‌کرد، ماحصل کارش دوست‌داشتنی بود و برای همه قابل درک و لذت. جنگیز جلیلوند بی‌شک ستاره‌ای بود که غروب کرد. مرد حنجره‌طلایی نامی بود که همه جنگیز جلیلوند را به آن می‌شناختند. همه معتقد هستند هر کلامی از دهان او ادا می‌شد طلا بود. ازدست‌دادن او دریغ و افسوس بزرگی است.

اما اگر کمی به فقدان آدم‌های بزرگ فکر کنیم به این حقیقت می‌رسیم که اصولا مسائل هنری در دهه ۵۰ یا ۴۰ میلادی یا اواسط دهه ۴۰ خودمان شکل و شمایل دیگری داشت. در تمام دنیا هنرپیشه‌ها و موسیقی‌دان‌های بزرگ در این دوران زندگی کردند و ستاره شدند. از جمله استاد شجریان که چندی‌پیش به رحمت خدا رفتند و تصور می‌کنم در سینمای جهان تنها بازیگری که از آن نسل باقی مانده، رابرت دنیرو است. ما در هر دوبله از جایی شروع کردیم که دوران شکوفایی کارهای هنری بود. با عشق هم شروع کردیم و مسائل اقتصادی هم چندان برای ما مهم نبود. ناگفته پیداست که شرایط زمانی حضور ما در دوبله با امروز بسیار متفاوت بود. آن زمان دستگاه‌ها آپارات بود و البته آنچه آموختیم با تکنیک آن زمان بود.

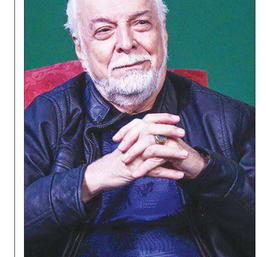

اما با حوصله و دقت بیشتر کار می‌کردیم. همواره دوبله به دلیل هنرش مورد توجه بود تا صنعتش و فیلم‌ها و هنرپیشه‌های بزرگ عرصه را برای خلاقیت بیشتر فراهم می‌کرد. به همین جهت دوستانم هم بیشتر سر ذوق می‌آمدند و آنهایی که استعداد و جدیتی داشتند، موفق‌تر بودند. آقای جلیلوند یکی از آن هنرمندان بود. آقای اسماعیلی، زنده‌یاد ناظرپور و آقای والی‌زاده، آقای خوشنواس و... نسل او دوم دوبله بعد از نسل پیشکسوتان بود که با همه این‌ها بعد متأسفانه دیگر عمدتا از کارهای بزرگ خبری هست و به دیگر کارهای بزرگی انجام می‌شود. انجمن گویندگان به‌طورکلی در گذشته فقط دوبلاژ هم بسیاری داشت. برای هر نقشی بلافاصله یک مدیر دوبلاژ با دست باز بهترین‌ها را در کنارش داشت. از آن نسل فقط ۲۰۰ نفر باقی مانده‌اند و متأسفانه بسیاری از دست دادیم.

در فقدان جنگیز جلیلوند بزرگ و گرامی جز ابراز تأسف برای ازدست‌دادن این هنرمند کلمه‌ای نمی‌توان گفت. این روزها خاطرانمان را مرور می‌کنم.

پیش‌ترزمانی که در آمریکا زندگی می‌کرد، من هم برای سفری به دیدار برادرم به آمریکا رفته بودم. سال ۶۸ بود که اصرار می‌کردم به کشورش برگردد و کار کند و خوشحالم که برگشت و باز هم درخشید. وسواس در کارش مثال‌زدنی بود. تا آخرین جمله را به بهترین نحو فهم و برداشت نمی‌کرد یا حس آن لحظه دلبستش نمی‌شد، کوتاه نمی‌آمد. آن‌قدر تمرین می‌کرد تا نهایتا سکانس را می‌گرفتیم.

به همین دلیل تمامی کارهایش درخشان بود. امیدوارم نسل‌های بعدی ما هم به همین دقت و ظرافت کار کنند. دوبله ما زمانی در دنیا اول بود و امیدوارم باز دیگر این مقام را به دست بیاوریم.

آسیب‌شناسی تحلیل انتخابات آمریکا در ایران

عکس: AP

علی نظیف‌پور
کارشناس مسائل داخلی آمریکا

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ به پایان رسیده است و جو بایدن، معاون سابق رئیس‌جمهور، با ۳۰۶ رای الکترال به پیروزی دست یافته است. از آوریل ۲۰۱۹، زمانی که بایدن با ورود به انتخابات مقدماتی درون‌حزبی دموکرات‌ها قصد خود را برای ریاست‌جمهوری رسما اعلام کرد، تا زمانی که در هفتم نوامبر ۲۰۲۰ با اعلام پیروزی او در ایالت حساس پنسیلوانیا از مرز ۲۷۰ رای الکترال گذشت، تحلیل صحیح انتخابات آمریکا نشان می‌داد که احتمال پیروزی بایدن بسیار بیشتر از احتمال پیروزی مجدد دونالد ترامپ است (که البته هیچ‌گاه به‌معنای غیرممکن‌بودن پیروزی ترامپ نیز نبود)؛ اما احتمالا افرادی که انتخابات را از طریق نوشته‌ها و گفته‌های تحلیلگران، استادان و کارشناسان سرشناس ایرانی دنبال می‌کردند، چنین تصویری دریافت نمی‌کردند. بخش عمده افرادی که مطبوعات ایرانی برای تحلیل انتخابات آمریکا به آنان روی آورده بودند، با اطمینانی عجیب از قطعی‌بودن پیروزی ترامپ سخن می‌گفتند. چرا دانشمندان ایرانی انتخابات آمریکا را این‌چنین نادرست درک کرده بودند و چرا کسی خواستار پاسخ‌گویی این قشر نیست؟

در سال ۲۰۱۶، اکثر تحلیلگران آمریکایی معتقد بودند پیروزی هیلاری کلینتون تقریبا قطعی است؛ اما پس از پیروزی ترامپ، شاهد این بودیم که این تحلیلگران به انتقاد از خود پرداختند و به‌دنبال دلیل‌های اشتباه خود بودند. ازآنجاکه به نظر می‌رسد تحلیلگران ایرانی، برخلاف همتایان غربی خود، علاقه‌ای به آسیب‌شناسی تحلیل‌های خود ندارند، در این مقاله تلاش خواهم کرد آسیب‌های عمده تحلیل انتخابات آمریکا توسط تحلیلگران ایرانی را بررسی کنم تا ببینیم نقطه‌ضعف‌های عمده تحلیل‌های کارشناسان ایرانی در انتخابات ۲۰۲۰ چه بود.

پیش از ورود به مطلب اصلی قصد دارم چند نکته را ذکر کنم: اولا اینکه تلاش کرده‌ام این مطلب تا جای ممکن مختصر نوشته شود. من در ذکر برخی مسائل بسیار مهم صرف‌نظر کرده‌ام (از جمله فهم مخدوش و سطحی از نظرسنجی در انتخابات آمریکا در ایران)، ولی لازم بود که برای هر مورد مثال‌هایی ذکر کنم. ثانیا برخی ممکن است کمان کنند که بهتر بود از افراد نام نبرم ولی این برخلاف هدف اصلی این مقاله است که به‌دنبال ایجاد فضای پاسخ‌گویی و شفافیت علمی است. ثالثا من در انتخاب افراد تلاش کرده‌ام که تنها به افرادی ارجاع دهم که از قدرت معنوی برخوردار هستند. این افراد همه یا استاد دانشگاه هستند یا در نشریات معتبر حضور دارند؛ بنابراین همه از قشر نخبه محسوب می‌شوند. رابعا من تلاش کرده‌ام از همه جناح‌های سیاسی در داخل ایران نام ببرم - چه اصلاح‌طلبان و تنش‌زدایان و چه اصولگرایان و قائلان به مقاومت. دلیل این امر این است که فقر علمی و تخصصی در ایران در زمینه انتخابات آمریکا مختص به یک جناح نیست و مشکلی فراگیر است. خامسا من در این مقاله تنها بر انتخابات تمرکز کرده‌ام و تنها بر مسائلی که می‌توان در سطح داده‌های تجربی بررسی‌شان کرد. من در این مقاله به استدلال‌های ارزشی یا عقاید شخصی که واقعا ذهنی هستند کاری نداشته‌ام؛ بنابراین قضاوت و انتقاد من محدود به مسائل مشخص است و اختلافات عقیدتی به آن راه نیافته‌اند. نهایتا واکنش بسیاری از شما به این مقاله این خواهد بود که بپرسید نویسنده این مطالب چه جایگاهی دارد که به خود اجازه داده این‌چنین استادان و دانشمندان و سرمایه‌های ملی ما را زیر سؤال ببرد. من البته سابقه مشخصی در این زمینه دارم اما شما را دعوت می‌کنم به‌جای اینکه به گوینده تمرکز کنید، ببینید که آیا انتقادهای من صحیح هستند یا نه. تلاش کنید تمرکز خود را بر استدلال‌های من بگذارید و ارزش مقاله من را با قوت استدلال‌هایم بسنجید. در بین کسانی که در این ایالت پیروز خواهد شد، بین دامنه این اشتباه به یکی از معتبرترین رسانه‌های ایرانی در رشته روابط بین‌الملل نیز سرایت کرده بود.

یکی از افرادی که مرتکب چنین اشتباهی شده بود هادی خسروشاهین، پژوهشگر میهمان در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه و دانش‌آموخته دکتری رشته علوم سیاسی در دانشگاه تهران بود. او در روز ۱۸ آبان مطلبی برای اقتصادنیوز نوشته بود که تنها یکی از واکنش‌های بسیار عجولانه به نتایج انتخابات آمریکا بود. درحالی‌که هنوز اکثر ایالت‌ها آرای خود را نشمرده بودند و بنابراین برای قضاوت درباره عملکرد نظرسنجی‌ها بسیار زود بود (مسئله‌ای که بسیار پیچیده است و توضیح زوایای آن مطلب مفصلی می‌طلبد)، او از «بی‌آبویی گسترده نظرسنجی‌ها» سخن گفته بود. گفته بود که متسفانه از ترامپ پول برنگردانده‌اند. درحالی‌که چنین شده بود (آن‌هم با فاصله‌ای معنی‌دار) و احتمال پیروزی ترامپ را جدی دانسته بود. درحالی‌که او حق‌ویقا با انتخابات آمریکا آشنا بود، می‌دانست که احتمال انتخاب ترامپ بسیار کاهش یافته و عملا بر زنر غیرممکن قرار گرفته است.

برای تحلیل صحیح انتخابات آمریکا، اولین قدم آشنایی کامل با سازوکار و ساختار کالج الکترال است؛ اما این کافی نیست؛ یک جمله که بسیار در تحلیل انتخابات آمریکا به کار می‌رود این است که «انتخابات آمریکا یک انتخابات نیست، بلکه ۵۱ انتخابات است که هم‌زمان برگزار می‌شوند»

حتی تعجب ندارد که خروسخاهین چنین پیش از موعد پیروزی ترامپ را شروع کرده بود و خود را در جایگاهی می‌دانست که با داده‌های ناقص درباره شرکت‌های نظرسنجی حکم صد و یه کسانی که به کفته او «ماجرا را از دوربین کلیشه‌ای» می‌بینند، فرخوردنی کند. خروسخاهین در روز هشتم مهر برای همین روبه‌سایت مطلبی نوشته بود که در آن ادعا می‌کرد که جریان‌مدیریتی می‌تواند انتخابات آمریکا را به سود ترامپ تغییر دهد. جریان‌مدیریتی یعنی ترسیم حوزه‌های انتخاباتی به‌گونه‌ای که جریان‌مدیریتی یک حزب در آن محتمل‌تر شود؛ اما نکته مهم این است که جریان‌مدیریتی مطلقا هیچ تأثیری بر انتخابات رئیس‌جمهوری ندارد و تنها بر انتخابات مجلس نمایندگان مؤثر است. خروسخاهین مدعی است که جریان‌مدیریتی ممکن است نتیجه انتخابات را به سود ترامپ در سه ایالت پنسیلوانیا، ویسکانسین و میشیگن تغییر دهد؛ اما در این سه ایالت همه نمایندگان کالج الکترال براساس تنیجه کلی ایالت به برنده تعلق می‌گیرند؛ بنابراین تقسیمات درون ایالت کاملا بی‌ارتباط با آن هستند. این اشتباهی است که نه‌تنها یک رسانه معتبر ایرانی مانند یک شهروند عادی بدیع دقیق انتخابات نیز باید از آن برهیز کند. شگفتی نیست که این اشتباه انسان می‌دهد که خروسخاهین تخصصی در زمینه انتخابات آمریکا ندارد، اما یکی از پرمخاطب‌ترین سایت‌های ایرانی چندین مطلب درباره انتخابات آمریکا نوشته و در همه آنها با اطمینانی بسیار بالا درباره انتخابات آمریکا احکام کلی داده است.

این امر درباره اکثریت قاطع افرادی که رسانه‌های ایرانی به آنان روی آورده‌اند، صادق است - یک مثال دیگر احمد تقی‌زاده است. ایشان در این انتخابات به ترامپ تبریک داده بود و در شماره ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ روزنامه سازندگی از حمایت «اکثریت خاموش» از ترامپ سخن می‌گوید و به‌همین‌دلیل پیروزی او را قطعی می‌داند. این در حالی است که پژوهش‌های علمی برابر این مسئله را رد کرده‌اند و نشان داده‌اند مسئله‌ای به نام «اکثریت خاموش» در انتخابات آمریکا وجود ندارد و این مسئله در واقع یک کلیشه تاریدوسانه است که برای نامزدهای آمریکایی خروج‌شواه مثل نیکسون و ترامپ از آن استفاده کرده‌اند.

اشاره نقیب‌زاده به این کلیشه نشان می‌دهد او به‌طور علمی درباره انتخابات آمریکا مطالعه نکرده و تحت‌تأثیر پیروگالدای خروجی‌خواهان قرار گرفته است. نقیب‌زاده همچنین در شماره ۱۲ آبان ۱۳۹۹ سازندگی نوشته است «در اولین تیرماه سال جاری دونالد [کذا] ترامپ از فوج نظرسنجی‌ها قرار داشت» درحالی‌که ترامپ در تمام چهار سال ریاست‌جمهوری خود در نظرسنجی‌ها نسبت به جو بایدن حداقل شش درصد عقب بود. این نشان می‌دهد که اگرچه نقیب‌زاده چندین مطلقه درباره انتخابات آمریکا نوشته بود و در آنها با یقینی بسیار زیاد اظهار نظر کرده بود اما در حد یک مخاطب عادی نیز اخبار انتخاباتی آمریکا را دنبال نکرده بوده است.

امیرعلی ابوالفتح، استاد دانشگاه، در ۱۰ دی ۱۳۹۸ در مصاحبه با اعتمادآنلاین گفته بود «مردم ایالت‌های مختلف آمریکا از ترامپ راضی‌اند»؛ درحالی‌که نظرسنجی‌ها در آن دوران محبوبیت ترامپ را بسیار پایین نشان می‌دادند. ابوالفتح در مصاحبه دیگری با همین سایت در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۹۹ مدعی شده بود درصورتی‌که سرنوشت انتخابات آمریکا در دادگاه تعیین شود خود را از روند انتخابات آمریکا آگاه کند، نوشته بود ترامپ به احتمال زیاد در ویسکانسین پیروز شده است. درحالی‌که در حقوق انتخابات آمریکا بسیار بعید است که در این ایالت پیروز خواهد شد. بدین دامنه این اشتباه به یکی از معتبرترین رسانه‌های ایرانی در رشته روابط بین‌الملل نیز سرایت کرده بود.

یکی از افرادی که مرتکب چنین اشتباهی شده بود هادی خسروشاهین، پژوهشگر میهمان در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه و دانش‌آموخته دکتری رشته علوم سیاسی در دانشگاه تهران بود. او در روز ۱۸ آبان مطلبی برای اقتصادنیوز نوشته بود که تنها یکی از واکنش‌های بسیار عجولانه به نتایج انتخابات آمریکا بود. درحالی‌که هنوز اکثر ایالت‌ها آرای خود را نشمرده بودند و بنابراین برای قضاوت درباره عملکرد نظرسنجی‌ها بسیار زود بود (مسئله‌ای که بسیار پیچیده است و توضیح زوایای آن مطلب مفصلی می‌طلبد)، او از «بی‌آبویی گسترده نظرسنجی‌ها» سخن گفته بود. گفته بود که متسفانه از ترامپ پول برنگردانده‌اند. درحالی‌که چنین شده بود (آن‌هم با فاصله‌ای معنی‌دار) و احتمال پیروزی ترامپ را جدی دانسته بود. درحالی‌که او حق‌ویقا با انتخابات آمریکا آشنا بود، می‌دانست که احتمال انتخاب ترامپ بسیار کاهش یافته و عملا بر زنر غیرممکن قرار گرفته است.

حتی تعجب ندارد که خروسخاهین چنین پیش از موعد پیروزی ترامپ را شروع کرده بود و خود را در جایگاهی می‌دانست که با داده‌های ناقص درباره شرکت‌های نظرسنجی حکم صد و یه کسانی که به کفته او «ماجرا را از دوربین کلیشه‌ای» می‌بینند، فرخوردنی کند. خروسخاهین در روز هشتم مهر برای همین روبه‌سایت مطلبی نوشته بود که در آن ادعا می‌کرد که جریان‌مدیریتی می‌تواند انتخابات آمریکا را به سود ترامپ تغییر دهد. جریان‌مدیریتی یعنی ترسیم حوزه‌های انتخاباتی به‌گونه‌ای که جریان‌مدیریتی یک حزب در آن محتمل‌تر شود؛ اما نکته مهم این است که جریان‌مدیریتی مطلقا هیچ تأثیری بر انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد و تنها بر انتخابات مجلس نمایندگان مؤثر است. خروسخاهین مدعی است که جریان‌مدیریتی ممکن است نتیجه انتخابات را به سود ترامپ در سه ایالت پنسیلوانیا، ویسکانسین و میشیگن تغییر دهد؛ اما در این سه ایالت همه نمایندگان کالج الکترال براساس نتیجه کلی ایالت به برنده تعلق می‌گیرند؛ بنابراین تقسیمات درون ایالت کاملا بی‌ارتباط با آن هستند. این اشتباهی است که نه‌تنها یک رسانه معتبر ایرانی مانند یک شهروند عادی بدیع دقیق انتخابات نیز باید از آن برهیز کند. شگفتی نیست که این اشتباه انسان می‌دهد که خروسخاهین تخصصی در زمینه انتخابات آمریکا ندارد، اما یکی از پرمخاطب‌ترین سایت‌های ایرانی چندین مطلب درباره انتخابات آمریکا نوشته و در همه آنها با اطمینانی بسیار بالا درباره انتخابات آمریکا احکام کلی داده است.

این امر درباره اکثریت قاطع افرادی که رسانه‌های ایرانی به آنان روی آورده‌اند، صادق است - یک مثال دیگر احمد تقی‌زاده است. ایشان در این انتخابات به ترامپ تبریک داده و در شماره ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ روزنامه سازندگی از حمایت «اکثریت خاموش» از ترامپ سخن می‌گوید و به‌همین‌دلیل پیروزی او را قطعی می‌داند. این در حالی است که پژوهش‌های علمی برابر این مسئله را رد کرده‌اند و نشان داده‌اند مسئله‌ای به نام «اکثریت خاموش» در انتخابات آمریکا وجود ندارد و این مسئله در واقع یک کلیشه تاریدوسانه است که برای نامزدهای خروج‌خواه مثل نیکسون و ترامپ از آن استفاده کرده‌اند.

اشاره نقیب‌زاده به این کلیشه نشان می‌دهد او به‌طور علمی درباره انتخابات آمریکا مطالعه نکرده و تحت‌تأثیر پیروگالدای خروجی‌خواهان قرار گرفته است. نقیب‌زاده همچنین در شماره ۱۲ آبان ۱۳۹۹ سازندگی نوشته است «در اولین تیرماه سال جاری دونالد [کذا] ترامپ از فوج نظرسنجی‌ها قرار داشت» درحالی‌که ترامپ در تمام چهار سال ریاست‌جمهوری خود در نظرسنجی‌ها نسبت به جو بایدن حداقل شش درصد عقب بود. این نشان می‌دهد که اگرچه نقیب‌زاده درباره انتخابات آمریکا نوشته بود اما در حد یک مخاطب عادی نیز اخبار انتخاباتی آمریکا را دنبال نکرده بوده است.

خود را از روند انتخابات آمریکا آگاه کند، نوشته بود ترامپ به احتمال زیاد در ویسکانسین پیروز شده است. درحالی‌که در حقوق انتخابات آمریکا بسیار بعید است که در این ایالت پیروز خواهد شد. بدین دامنه این اشتباه به یکی از معتبرترین رسانه‌های ایرانی در رشته روابط بین‌الملل نیز سرایت کرده بود.

یکی از افرادی که مرتکب چنین اشتباهی شده بود هادی خسروشاهین، پژوهشگر میهمان در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه و دانش‌آموخته دکتری رشته علوم سیاسی در دانشگاه تهران بود. او در روز ۱۸ آبان مطلبی برای اقتصادنیوز نوشته بود که تنها یکی از واکنش‌های بسیار عجولانه به نتایج انتخابات آمریکا بود. درحالی‌که هنوز اکثر ایالت‌ها آرای خود را نشمرده بودند و بنابراین برای قضاوت درباره عملکرد نظرسنجی‌ها بسیار زود بود (مسئله‌ای که بسیار پیچیده است و توضیح زوایای آن مطلب مفصلی می‌طلبد)، او از «بی‌آبویی گسترده نظرسنجی‌ها» سخن گفته بود. گفته بود که متسفانه از ترامپ پول برنگردانده‌اند. درحالی‌که چنین شده بود (آن‌هم با فاصله‌ای معنی‌دار) و احتمال پیروزی ترامپ را جدی دانسته بود. درحالی‌که او حق‌ویقا با انتخابات آمریکا آشنا بود، می‌دانست که احتمال انتخاب ترامپ بسیار کاهش یافته و عملا بر زنر غیرممکن قرار گرفته است.

حتی تعجب ندارد که خروسخاهین چنین پیش از موعد پیروزی ترامپ را شروع کرده بود و خود را در جایگاهی می‌دانست که با داده‌های ناقص درباره شرکت‌های نظرسنجی حکم صد و یه کسانی که به کفته او «ماجرا را از دوربین کلیشه‌ای» می‌بینند، فرخوردنی کند. خروسخاهین در روز هشتم مهر برای همین روبه‌سایت مطلبی نوشته بود که در آن ادعا می‌کرد که جریان‌مدیریتی می‌تواند انتخابات آمریکا را به سود ترامپ تغییر دهد. جریان‌مدیریتی یعنی ترسیم حوزه‌های انتخاباتی به‌گونه‌ای که جریان‌مدیریتی یک حزب در آن محتمل‌تر شود؛ اما نکته مهم این است که جریان‌مدیریتی مطلقا هیچ تأثیری بر انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد و تنها بر انتخابات مجلس نمایندگان مؤثر است. خروسخاهین مدعی است که جریان‌مدیریتی ممکن است نتیجه انتخابات را به سود ترامپ در سه ایالت پنسیلوانیا، ویسکانسین و میشیگن تغییر دهد؛ اما در این سه ایالت همه نمایندگان کالج الکترال براساس نتیجه کلی ایالت به برنده تعلق می‌گیرند؛ بنابراین تقسیمات درون ایالت کاملا بی‌ارتباط با آن هستند. این اشتباهی است که نه‌تنها یک رسانه معتبر ایرانی مانند یک شهروند عادی بدیع دقیق انتخابات نیز باید از آن برهیز کند. شگفتی نیست که این اشتباه انسان می‌دهد که خروسخاهین تخصصی در زمینه انتخابات آمریکا ندارد، اما یکی از پرمخاطب‌ترین سایت‌های ایرانی چندین مطلب درباره انتخابات آمریکا نوشته و در همه آنها با اطمینانی بسیار بالا درباره انتخابات آمریکا احکام کلی داده است.

این امر درباره اکثریت قاطع افرادی که رسانه‌های ایرانی به آنان روی آورده‌اند، صادق است - یک مثال دیگر احمد تقی‌زاده است. ایشان در این انتخابات به ترامپ تبریک داده و در شماره ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ روزنامه سازندگی از حمایت «اکثریت خاموش» از ترامپ سخن می‌گوید و به‌همین‌دلیل پیروزی او را قطعی می‌داند. این در حالی است که پژوهش‌های علمی برابر این مسئله را رد کرده‌اند و نشان داده‌اند مسئله‌ای به نام «اکثریت خاموش» در انتخابات آمریکا وجود ندارد و این مسئله در واقع یک کلیشه تاریدوسانه است که برای نامزدهای خروج‌خواه مثل نیکسون و ترامپ از آن استفاده کرده‌اند.

اشاره نقیب‌زاده به این کلیشه نشان می‌دهد او به‌طور علمی درباره انتخابات آمریکا مطالعه نکرده و تحت‌تأثیر پیروگالدای خروجی‌خواهان قرار گرفته است. نقیب‌زاده همچنین در شماره ۱۲ آبان ۱۳۹۹ سازندگی نوشته است «در اولین تیرماه سال جاری دونالد [کذا] ترامپ از فوج نظرسنجی‌ها قرار داشت» درحالی‌که ترامپ در تمام چهار سال ریاست‌جمهوری خود در نظرسنجی‌ها نسبت به جو بایدن حداقل شش درصد عقب بود. این نشان می‌دهد که اگرچه نقیب‌زاده درباره انتخابات آمریکا نوشته بود اما در حد یک مخاطب عادی نیز اخبار انتخاباتی آمریکا را دنبال نکرده بوده است.

امیرعلی ابوالفتح، استاد دانشگاه، در ۱۰ دی ۱۳۹۸ در مصاحبه با اعتمادآنلاین گفته بود «مردم ایالت‌های مختلف آمریکا از ترامپ راضی‌اند»؛ درحالی‌که نظرسنجی‌ها در آن دوران محبوبیت ترامپ را بسیار پایین نشان می‌دادند. ابوالفتح در مصاحبه دیگری با همین سایت در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۹۹ مدعی شده بود درصورتی‌که سرنوشت انتخابات آمریکا در دادگاه تعیین شود

ترامپ «دست بالا» را خواهد داشت. ابوالفتح متخصص انتخابات آمریکا نیست و متخصص قانون اساسی و حقوق آمریکا نیز نیست. حتی یک متخصص حقوقی آمریکا کمان نمی‌کرد که ترامپ شانسی واقعی در دادگاه دارد.

یک نمونه دیگر محمدمهدی عسگری، استاد رشته حقوق عمومی در دانشگاه امام صادق (ع) است. او در نشستی در پژوهشکده دموکراسی نگهبان در ۱۶ آبان ۱۳۹۹ چنین گفته است: «بدون‌دادن هر نظر در تنظام انتخاباتی آمریکا وقتی نمود پیدا کرد که ایالت‌های کوچک سفیدپوست در مقابله با سایر ایالات با حداقل سه رای بیشتر دارند. ایالت‌های جنوبی که عموما افراد آفریقایی‌تبار سکنا هستند، یک سوم مردم شمال آرایشان از وزن پرخوردار است». او این سخن را درباره کالج‌الکترال براساس جمعیت آرای خود را توزیع کرده و بنابراین هیچ ایالت کم‌جمعیتی بیش از یک ایالت پرجمعیت آرای الکترال ندارد و تاثیر در جنوب این کشور کوچک با سفیدپوست‌ها است و نه با سیاهپوستان. این امر به‌خوبی با توجه به این امر که کارنامه قوانین تبعیض‌آمیز نژادی؛ بعلاوه بدون رشد بسیار سیاهتر بوده است (چه در مسئله برده‌داری و چه قوانین تبعیض‌آمیز نژادی) بعلاوه بدون رشد باشد.

در نهایت برای تحلیل صحیح انتخابات آمریکا، اولین شرط آشنایی با نظام حقوقی انتخاباتی آمریکا است. اولین قدم آشنایی کامل با سازوکار و ساختار کالج الکترال است؛ اما این کافی نیست؛ یک جمله که بسیار در تحلیل انتخابات آمریکا به کار می‌رود این است که «انتخابات آمریکا یک انتخابات نیست، بلکه ۵۱ انتخابات است که همزمان برگزار می‌شوند». در آمریکا ایالت‌ها مجری انتخابات هستند نه تنفذ فدرال و در ۵۰ ایالت آمریکا به‌علاوه منطقه کلمبیا قوانین انتخاباتی متفاوتی دارند. برای تحلیل صحیح انتخابات آمریکا باید با قوانین ایس ۵۱ منطقه با حداقل ایالت‌های رقابتی کاملا آشنا بود. در مرحله بعد باید آشنایی محکمی با تنفذ و اهمیت آنها یک امر ضروری است. اما اینها همه اطلاعاتی هستند که تحصیل در رشته‌های زیرشاخه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه تامینشان نمی‌کند.

برای اهمیت این موضوع می‌توان به مسئله رأی‌گیری در ایالت‌ها اشاره کرد. برای متخصصان انتخابات آمریکا در این روز محرز بود که باید در مسیر پیروزی قرار گرفته است؛ اما کسانی که تخصصشان انتخابات آمریکا نبود و به آرای شمرده‌شده نگاه می‌کردند، به اشتباه تصور می‌کردند ترامپ در مسیر پیروزی است؛ مثلا این افراد به میشیگن و ویسکانسین نگاه می‌کردند و می‌دیدند که مثلا ۷۰ درصد آرا شمرده شده و ترامپ ۶۰ درصد جلو است (اینها اعداد واقعی نیستند). اما این افراد نمی‌دانستند که اولا میشیگن و ویسکانسین اولا آرای حضوری را می‌شمارند و سپس آرای پستی را و ثانیا شهرستان‌هایی که تاکنون نتایج را اعلام کردند، همه به‌شدت سویه محافظه‌کار و خروج‌خواه داشتند. بنابراین به‌تنفذ این‌تفاوت می‌رفته که باید در این مرحله از شمارش آرا در این دو ایالت عقب باشد بلکه ترامپ بتدر از حد انتظار عقب بود و برای پیروزی باید ۱۱۰ درصد جلو می‌بود و نه ۶۰ درصد؛ بنابراین برای کسی که می‌دانست به چه داده‌های باید نگاه کند و چگونه تفسیرشان کند، واضح بود که باید همچنان در مسیر پیروزی است و چند ساعت بعد در عصر روز چهارشنبه این مسئله تقریبا از نظر رقابتی قطعی شده بود. این قابل درک است که شهروندان عادی یا شهرستان‌های آمریکا نباشند ولی در صورت عدم آشنایی با این موضوع صلاحیت کافی برای اظهارنظر درباره انتخابات را ندارند. پیش از نامبردن از افراد مشخص، باید از کانال تلگرامی سایت دیپلماسی ایرانی نام برد که در صبح روز چهارشنبه تلاش می‌کرد مخاطبان

تحلیلران انتخاباتی با آگاهی چندانی درباره سازوکار انتخابات ندارند. ولی درعین حال نسبت به دانسته‌های ناقص خود اعتماده‌نفس و اطمینان بسیار زیادی دارند. معمولا در تحلیل خود بسیار قابل‌گرا هستند. در این تحلیل‌ها نقش یک عامل از آن جزئی که هست بسیار برجسته‌تر می‌شود و تمام پیچیدگی‌های انتخابات آمریکا نادیده گرفته می‌شود

حداقل در این یک فاکتور خاص تحلیل‌های این کارشناس بهبود نسبی یافتند.

نکته مهم در این زمینه این است که تفاوت بسیار بزرگی بین انتخابات آمریکا و دیگر علوم طبیعی، انسانی و جامعه‌شناختی وجود دارد و تا مسئله جامعه آماری بسیار کوچک است. برای بررسی علمی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا حداکثر می‌توان تا انتخابات سال ۱۸۳۶ عقب رفت. تا پیش از این انتخابات اصولا داده‌های برد آرای عموم جمع‌آوری نشده‌اند و پیش از آن انتخابات ایران حقیقتا مؤثر بود. ولی برای این ادعا که ایران هنوز هم کوچک‌ترین تاثیری بر رفتار رای‌دهندگان آمریکایی دارد هیچ مدرک تجربی وجود ندارد.

یک نمونه دیگر چنین تحلیلی، تحلیل نقیب‌زاده در روزنامه سازندگی در ۱۳ شهریور است. او در این مقاله پس از آنه توضیح می‌دهد که شانس ترامپ برای انتخاب مجدد «روز به روز کمتر می‌شود»، این امر را در اثر چاپ کتاب جان بولتون و مری ترامپ علیه او می‌داند. این ادعای حقیقتا غریبی است و من هیچ مخنصص انتخابات آمریکا را ندیدمام که چنین ادعایی کند. اما حداقل می‌توان چک کرد که کتاب بولتون نزدیک به ۷۸۰ هزار نسخه به فروش رفته است و کتاب مری ترامپ نزدیک به یک میلیون و نیم نسخه. بنابراین بعید است که این دو کتاب نقش عمده‌ای در شکل‌دادن به انتخابات آمریکا بازی کرده باشند.

متقی خود نیز تحلیل‌های مشابه دیگری از این دست دارد. متقی در مصاحبه با برنامه «نگاه یک» در شبکه یک ابتدا ادعایی می‌کند که تحلیلی تقلیل‌گرایانه است؛ او مدعی است که مناظرات ریاست‌جمهوری تاثیری بسیار بزرگ بر انتخابات می‌گذارند. درحالی‌که پژوهش‌های علمی به روشنی نشان می‌دهند که مناظرات یکی از کم‌تاثیرترین عوامل هستند؛ البته بی‌اثر هم نیستند. اما در ادامه متقی سخنانی بیان می‌کند که همگی کاملا نایبرو هستند: «ترامپ در این کشور، مقتدر ظاهر شد و جامعه آمریکایی، رئیس‌جمهور مقتدر را دوست دارد و برای به‌قدرت‌رسیدن یک فرد مقتدر، تلاش می‌کند اما فضای روشنفکری آمریکا، رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، واشنگتن دی‌سی، الگوی رفتاری و نگاهش نسبت به ترامپ با توده‌های عمومی جامعه آمریکا کاملا متفاوت است».

او در ادامه چنین گفته است: «بایدن در حد یک رئیس‌جمهور تلقی نمی‌شود. او شرایط جسمی و فضای ذهنی، هوشمندی، تحرک و تحکم مورد پسند جامعه آمریکا را ندارد» (به نقل از خبرگزاری شبستان). این سخنان اولا همه داستان‌پردازی هستند و هیچ پایه علمی ندارند -عواملی مثل اقتدار رئیس‌جمهور اصولا ذهنی‌تر از آن هستند که بتوان آنها را اندازه گرفت و مطمئنا نقشی در انتخابات ندارند. اما فراتر از آن این سخنان عادت ناپسند تحلیلگران ایرانی در تکرار دروغ‌های انتخاباتی را بررنگ می‌کنند. از جمله مسئله بیماری بایدن. به‌هرحال در تمام طول انتخابات و نه فقط پیش از بیماری ترامپ، رای‌دهندگان به اندازه